

تخصص حسابرسی در صنعت، جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته

اسماعیل توکل نیا^۱

چکیده: بر اساس شواهد تجربی موجود، معامله با اشخاص وابسته به طور گسترده برای دستکاری سود به منظور گزارشگری مالی استفاده می شود. در این رابطه، مطالعه حاضر ضمن بررسی تأثیر تخصص حسابرسی در صنعت و جریان نقد آزاد بر مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته، اثر تعدیلی تخصص حسابرسی در صنعت را نیز بر ارتباط بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته، بررسی می کند. نمونه آماری دربرگیرنده ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ است. برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج بررسی ها نشان می دهد بین تخصص حسابرسی در صنعت و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته ارتباطی منفی برقرار است. از سویی دیگر، ارتباطی مستقیم بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد. این در حالی است که تخصص حسابرسی در صنعت، موجب تضعیف ارتباط مستقیم بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته می شود.

واژه های کلیدی: بورس اوراق بهادار تهران، تخصص حسابرسی در صنعت، جریان نقد آزاد، مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته.

۱. مربی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۰۷

E-mail: Esmail.Tavakolnia@gmail.com

مقدمه

معاملات با اشخاص وابسته، شامل معاملاتی است که بین شرکت و مدیران، تصمیم‌گیرندگان، سهامداران اصلی و عمده و شرکت‌های فرعی و شرکت‌های تابعه صورت می‌پذیرند. گرچه معاملات با اشخاص وابسته گاهی با اهداف تجاری انجام می‌شوند، اغلب به‌عنوان ابزاری برای تقلب مالی، مدیریت سود و سلب مالکیت از سهامداران جزء در کانون توجه قرار می‌گیرند. رسوایی‌های اخیر شرکت‌ها در ایالات متحده آمریکا (آدلفیا)^۱، اروپا (برمر وولکان)^۲ و آسیا (گروه کانگسای)^۳، مشتمل بر معاملات با اشخاص وابسته بوده‌اند. قانونگذاران و استانداردهاگذاران، از طریق تشدید مقررات در استفاده و افشای معاملات با اشخاص وابسته، به این رسوایی‌ها واکنش نشان داده‌اند. در زمینه علت تأکید بر معاملات با اشخاص وابسته در مقله مدیریت سود، بسیاری از مطالعات داخلی، وجود پدیده مدیریت سود در بازار سرمایه ایران را تأیید کرده‌اند (برای مثال: مرادی، اصولیان و نوروزی، ۱۳۹۳؛ عباس‌زاده، حصارزاده، جباری‌نوقانی و عارفی‌اصل، ۱۳۹۴؛ کامیابی، شهسواری و سلمانی، ۱۳۹۵؛ کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۵)، گفتنی است که این قبیل معاملات، به‌عنوان یکی از راهکارهای متداول به‌منظور مدیریت سود، در شرکت‌های ایرانی استفاده می‌شود. بنا بر گزارش‌های اخیر سازمان‌های بین‌المللی، حساب‌برسان باید بر معاملات فرصت‌طلبانه با اشخاص وابسته، نظارت داشته و مانع آنها شوند (مرکز کیفیت حسابرسی^۴، ۲۰۱۰؛ کمیسیون اروپا^۵، ۲۰۱۰؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۶، ۲۰۱۲؛ بناری، نخیلی و تورون، ۲۰۱۵). این در حالی است که شواهد تجربی متعددی وجود دارد مبنی بر اینکه معاملات با اشخاص وابسته به‌طور گسترده برای دستکاری سود در گزارشگری مالی استفاده می‌شود (برای مثال: آهارونی، وانگ و یان، ۲۰۱۰؛ ژیان و وانگ، ۲۰۱۰؛ لو، وانگ و فیث، ۲۰۱۰-الف؛ وانگ، کیم و لو، ۲۰۱۵؛ شان، ۲۰۱۵). سرلک و اکبری (۱۳۹۲) نیز از رابطه مستقیم بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران خبر داده‌اند.

تأکید اصلی ادبیات دانشگاهی درباره معاملات با اشخاص وابسته بر اثربخشی سازوکارهای حاکمیت شرکتی در نظارت بر معاملات با اشخاص وابسته و افزایش شفافیت گزارشگری آنها بوده است. ادبیات یاد شده، درک و شناخت نسبت به راه‌های نظارت بر معاملات با اشخاص وابسته و همچنین ضعف‌های بالقوه کنترل داخلی از طریق نظارت بر معاملات با اشخاص وابسته

-
1. Adelfphia
 2. Bremer Vulkan
 3. Kongsai Group
 4. Center for Audit Quality
 5. European Commission
 6. Organization for Economic Co-operation and Development [OECD]

را بهبود بخشیده‌اند (گوردون، هنری، لوورز و رید، ۲۰۰۷). در مجموع، شناخت به‌نسبت اندکی درباره نقش حسابرسان در این مقوله وجود دارد. از سوی دیگر، جریان نقد آزاد انگیزه‌ای قوی برای مدیریت ایجاد می‌کند تا در پروژه‌های دارای ارزش فعلی منفی سرمایه‌گذاری کند (جنسن، ۱۹۸۶؛ استولز، ۱۹۹۰؛ ریچاردسن، ۲۰۰۶)، به‌ویژه زمانی که نظارت بر مدیریت، ضعیف است (چن و سان و زو، ۲۰۱۵). متعاقب آن، ممکن است که مدیران به‌منظور پنهان‌سازی این رفتار ناکارای سرمایه‌گذاری از مدیریت سود استفاده کنند (چانگ، فیرث و کیم، ۲۰۰۵-الف؛ جگی و گال، ۲۰۰۶؛ باکیت و اسکندر، ۲۰۰۹؛ راسمین، استمی و هرتادی، ۲۰۱۴؛ نخیلی، بن‌آمار، چتویی و لاخل، ۲۰۱۶). این در حالی است که ژیان و وانگ (۲۰۰۳) نیز از تأثیر افزایشی جریان نقد آزاد بر معاملات با اشخاص وابسته خبر داده‌اند. بنابراین، علاوه بر در نظر گرفتن اثر کاهش تخصص حسابرسان در صنعت و اثر افزایشی جریان نقد آزاد بر مدیریت سود از طریق معاملات بر اشخاص وابسته، انتظار می‌رود که تخصص حسابرسان در صنعت به‌واسطه بهبود سطح نظارت و کیفیت حاکمیت شرکتی (احمدپور، توکل‌نیا و معصومی، ۱۳۹۴؛ حبیب، جیانگ و ژو، ۲۰۱۴؛ توکل‌نیا و مکرانی، ۲۰۱۵)، موجب تضعیف اثر افزایشی جریان نقد آزاد بر معاملات با اشخاص وابسته شود. گفتنی است در سال‌های اخیر به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴) و تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام (ابراهیمی کردلر و جوانی قلندری، ۱۳۹۵) پرداخته شده است که مهم‌ترین نوآوری این پژوهش نسبت به مطالعات یاد شده، تأکید بر استفاده از معاملات با اشخاص وابسته برای مدیریت سود است.

پیشینه نظری پژوهش

تخصص حسابرسان در صنعت و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته

به بیان سلمن، شیلدز و ویتینگتون (۱۹۹۹)، حسابرسان متخصص در صنعت، حسابرسانی هستند که تمرین، آموزش و تجربه آنان در صنعتی خاص متمرکز شده است و بیشتر زمان خود را صرف حسابرسی صاحبکاران در یک صنعت مشخص می‌کنند. سایر مطالعات (برای مثال؛ ماهیو و ویلکینز، ۲۰۰۳؛ دان و ماهیو، ۲۰۰۴؛ فرانکیس، ریچلت و وانگ، ۲۰۰۵-الف؛ رابین و ژانگ، ۲۰۱۵) نیز تخصص حسابرسان در صنعت را با عنوان افزایش سهم بازار تعریف کرده‌اند. حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیتی ارائه می‌کنند که در نتیجه، موجب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. علت این امر نیز این است که حسابرسان متخصص صنعت، دانش و تجربه بیشتری نسبت به حسابرسان غیرمتخصص دارند (بالسام، کریشنان و یانگ،

۲۰۰۳؛ دان و ماهیو، ۲۰۰۴). کریشنان (۲۰۰۳) دریافت که قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری برای حساب‌برسان غیرمتخصص بیشتر از حساب‌برسان متخصص است؛ این نتیجه منطبق با این استدلال است که حساب‌برسان متخصص نسبت به حساب‌برسان غیرمتخصص کیفیت بیشتری دارند. در همین رابطه، مطالعات متعددی نشان داده‌اند حساب‌برسان متخصص صنعت، موجب کاهش مدیریت سود و افزایش کیفیت سود می‌شوند (برای مثال؛ اعتمادی، محمدی و ناظمی، ۱۳۸۸؛ احمدپور، توکل‌نیا و معصومی، ۱۳۹۴؛ کیون، لیم و تان، ۲۰۰۷؛ بارنت، کرایپ، مارتین و مک-آلیستر، ۲۰۱۲؛ سان و لیو، ۲۰۱۳؛ حبیب، جیانگ و ژو، ۲۰۱۴؛ هگازی، السباق و هندی، ۲۰۱۵؛ توکل‌نیا و مکرانی، ۲۰۱۵). این در حالی است که بسیاری از مطالعات (برای مثال؛ چن و یوان، ۲۰۰۴؛ جی، فورتن، لیو و تیسانگ، ۲۰۱۰؛ گائو و کلینگ، ۲۰۰۸؛ لو و وانگ، ۲۰۱۱) گزارش داده‌اند که مدیریت سود معمولاً با معاملات - خرید و فروش - با اشخاص وابسته درهم‌آمیخته است. در ایران نیز سرلک و اکبری (۱۳۹۲) رابطه‌ای مستقیم بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود یافتند. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که تخصص حساب‌برسان در صنعت، تضعیف مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته را به‌همراه خواهد داشت.

جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته

به بیان نخیلی، بن‌آمار، چتویی و لاخل (۲۰۱۶)، منشأ تضاد بین منافع سهامداران و مدیران، وجود وجه نقد در دسترس، پس از تأمین مالی پروژه‌های سودآور و توزیع سود نقدی است. جنسن (۱۹۸۶) این وجه نقد را جریان نقد آزاد می‌نامد. تأکید پژوهشگران بر استفاده نادرست مدیران از این وجوه است. در بازار سرمایه کامل، ارتباطی بین جریان نقد آزاد و سطح سرمایه‌گذاری شرکت وجود نخواهد داشت (مودیلیانی و میلر، ۱۹۵۸). این در حالی است که مطالعات پیشین، بین آنها ارتباطی مستقیم را نشان داده‌اند (ریچاردسن، ۲۰۰۶؛ چن، سان و زو، ۲۰۱۵). دو تفسیر برای این ارتباط وجود دارد: ۱. عدم تقارن اطلاعاتی و ۲. هزینه‌های نمایندگی. مایرز و ماجلوف (۱۹۸۴) در تفسیر عدم تقارن اطلاعاتی نشان دادند در بازار سرمایه کامل، عدم تقارن اطلاعاتی به افزایش هزینه سرمایه منجر می‌شود. این در حالی است که محدودیت‌های تأمین مالی خارجی، شرکت را مجبور می‌کند که سرمایه‌گذاری‌های انعطاف‌پذیر را کاهش دهد و سرمایه‌گذاری بیشتری را از محل جریان نقد آزاد، با توجه به هزینه سرمایه کمتر آن انجام دهد (فازاری و هوبارد و پترسن، ۱۹۸۸؛ ویتند، ۱۹۹۲). تفسیر دیگر، هزینه‌های نمایندگی است. هزینه نمایندگی از جدایی مالکیت از کنترل شرکت نشئت می‌گیرد. این امر می‌تواند در شرکت‌هایی که جریان نقد آزاد دارند، انگیزه‌ای قوی برای مدیریت به‌وجود آورد تا در پروژه‌های دارای ارزش فعلی منفی سرمایه‌گذاری کند (جنسن، ۱۹۸۶؛ استولز، ۱۹۹۰). تفاسیر مربوط به هزینه‌های نمایندگی بیان‌کننده این موضوع

است که ممکن است، مدیریت در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری کند که از دیدگاه وی سودآورند، اما برای مالکان شرکت خوب نیستند. امکان دارد این قبیل رفتارها، تأثیر معکوسی بر وضعیت مالی شرکت داشته باشند که به کاهش ارزش سهام منتج خواهد شد، از این رو موجب تغییر مدیریت شرکت شود (ریچاردسن، ۲۰۰۶). به‌منظور کاهش این تأثیر، ممکن است که از مدیریت سود به‌منظور پنهان کردن اقدامات صورت‌گرفته، استفاده شود. جگی و گال (۲۰۰۶) ضمن استنتاج وجود ارتباط مستقیم بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود، بیان کردند که مدیریت شرکت، از دستکاری افزایشی سود به‌منظور مطلوب نشان دادن عملکرد شرکت و متعاقب آن، حفظ شغل خود استفاده می‌کند. این نتیجه در بسیاری از مطالعات تأیید شده است (برای مثال؛ چانگ، فیث و کیم، ۲۰۰۵ - الف؛ جگی و گال، ۲۰۰۶؛ باکیت و اسکندر، ۲۰۰۹؛ راسمین، استامی و هرتادی، ۲۰۱۴؛ نخیلی، بن‌آمار، چتویی و لاخل، ۲۰۱۶). با توجه به اینکه توماس، هرمان و اینووه (۲۰۰۴) دریافتند شرکت‌های تولیدی از معاملات با اشخاص وابسته به‌منظور پرهیز از زیان، کاهش سود و سودآوری کمتر از پیش‌بینی تحلیل‌گران، استفاده می‌کنند و اینکه بسیاری از مطالعات (برای مثال؛ لو و وانگ، ۲۰۱۱)، معاملات با اشخاص وابسته را یکی از راه‌های مدیریت سود قلمداد کرده‌اند، انتظار می‌رود جریان نقد آزاد دارای تأثیر افزایشی بر مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته باشد.

نقش آفرینی همزمان تخصص حسابرِس در صنعت و جریان نقد آزاد

چانگ، فیث و کیم (۲۰۰۵-الف)، رفتار مدیران نسبت به جریان نقد آزاد و تأثیر آن بر انتخاب رویکردهای حسابداری برای مدیریت سود را تشریح کردند. به بیان آنان، هنگامی که اقدامات انتظامی یا نظارتی توسط ذی‌نفعان برون‌سازمانی و نمایندگان آنان اثربخش نباشد (در این مطالعه، تخصص حسابرِس در صنعت، ابزار نظارتی ذی‌نفعان منظور شده است)، این امکان وجود دارد که برخی از مدیران، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کمتر سودآور یا با ارزش فعلی منفی را برگزینند. علاوه بر این، ممکن است مدیران پروژه‌هایی را برگزینند که برای آنان نفع شخصی دارد تا از این طریق، مزیت‌های اقتصادی یا سایر مزیت‌های شخصی را برای خود به ارمغان آورند. علت این قبیل رفتارهای مدیران، این است که شناسایی هزینه نمایندگی جریان نقد آزاد (سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دارای ارزش فعلی منفی) بسیار مشکل است. در غیاب مقرراتی که مدیران را ملزم به افشای اطلاعات جریان‌های نقد سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها، شامل فرضیات پشتوانه آنها به سرمایه‌گذاران کند، اطلاعات محرمانه در اجتماع ایجاد می‌شود. این وضعیت، مدیران را به این سمت سوق می‌دهد که تصمیمات سرمایه‌گذاری نامناسب خود را پوشش دهند که یکی از مهم‌ترین ابزارها در این راستا، مدیریت سود خواهد بود (راسمین و همکاران، ۲۰۱۴) و

انجام معاملات با اشخاص وابسته، یکی از متداول‌ترین راه‌های مدیریت سود است (برای مثال؛ لو و وانگ، ۲۰۱۱).

از سویی دیگر، کیفیت حسابرسی که تخصص حسابرس در صنعت یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش آن به‌شمار می‌رود، مرکز ثقل نظارت برون‌سازمانی است و یکی از عوامل تعیین‌کننده کلیدی مدیریت سود قلمداد می‌شود. تخصص حسابرس در صنعت شامل به‌وجود آوردن افکار سازنده به‌منظور کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم کردن دیدگاه‌ها یا راهکارهای تازه برای موضوعاتی می‌شود که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آنها روبه‌رو می‌شوند (کند، ۲۰۰۸). علی‌رغم تأکید بر تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در مطالعات پیشین، بارتف، گال و تی‌سویی (۲۰۰۱)، لای (۲۰۰۹) و بلیس، گال و مجید (۲۰۱۱) معتقدند که کیفیت بالاتر حسابرسان، به گزارش اشتباهات، بی‌قانونی‌ها و بی‌تمایلی به پذیرش اقدامات سؤال‌برانگیز حسابداری اشاره دارد. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که حسابرسان متخصص در صنعت، به‌واسطه بهبود نظارت بر مدیران، موجب تضعیف اثر افزایشی جریان نقد آزاد بر مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته خواهند شد.

پیشینه تجربی

کیون، لیم و تان (۲۰۰۷) به بررسی نقش حسابرسان متخصص در صنعت در حوزه بین‌المللی پرداختند و دریافته‌اند شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص استفاده می‌کنند، اقلام تعهدی اختیاری کمتر و ضریب واکنش سود بیشتری دارند. تسیپوریدو، اسپاتیس و فلوروپولوس (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط اقلام تعهدی غیرعادی و گزارشگری حسابرسی پرداختند و دریافته‌اند که نوع مؤسسه حسابرسی (از لحاظ اندازه مؤسسه) با اقلام تعهدی غیرعادی، ارتباط ندارد. سان و لیو (۲۰۱۳) دریافته‌اند که ارتباط معکوس بین راهبری هیئت‌مدیره و مدیریت سود در شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص صنعت استفاده می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص صنعت استفاده نمی‌کنند، شدیدتر است. الهدب، کلاچر و کیسی (۲۰۱۳) نتیجه گرفتند که شرکت‌ها طی عرضه اولیه، به مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اقدام می‌کنند و اثر محدودکننده مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، شرکت‌های یاد شده را به دستکاری فروش متمایل می‌کند. نتیجه دیگر این تحقیق، اثر افزایشی کیفیت حسابرسی بر ارتباط معکوس بین مدیریت سود و دستکاری فروش با بازده سهام است. بنوری و همکارانش (۲۰۱۵) به بررسی چگونگی ارتباط بین استفاده از حسابرسان دارای شهرت و اعتبار به‌منظور ارائه گزارش‌های حسابرسی

با کیفیت بالا و تعداد معاملات با اشخاص وابسته گزارش شده به سهامداران برون‌سازمانی پرداختند. نتایج بررسی‌های آنان نشان داد حضور چهار مؤسسه حسابرِس بزرگ به‌عنوان حسابرِس، به کاهش تعداد معاملات با اشخاص وابسته منجر می‌شود.

در ایران، ابراهیمی‌کردلر و سیدی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین حسابرسان مستقل و نوع اظهار نظر حسابرِس با مدیریت سود پرداختند. نتایج بررسی‌های آنان نشان داد فقط نوع مؤسسه حسابرِس با اقلام تعهدی اختیاری ارتباط دارد. سرلک و اکبری (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. نتایج بررسی‌های آنان نشان داد بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. رستمی (۱۳۹۲) در بررسی رابطه مؤسسه حسابرِس و معاملات با اشخاص وابسته شرکت‌ها نتیجه گرفت که وقتی شرکتی از حسابرِس مؤسسه‌های بزرگ استفاده می‌کند، دارای معاملات با اشخاص وابسته بیشتری است و همچنین با افزایش دوره تصدی حسابرِس، انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از معاملات اشخاص وابسته افزایش می‌یابد. احمدپور و همکارانش (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر متقابل تخصص حسابرِس در صنعت و راهبری هیئت‌مدیره بر مدیریت سود پرداختند و نتیجه گرفتند که تخصص حسابرِس در صنعت موجب تضعیف رابطه معکوس بین مدیریت سود و استقلال هیئت‌مدیره می‌شود. همچنین کامیابی، بوژمهرانی و نادری پلنگی (۱۳۹۲) به بررسی خطای پیش‌بینی سود، معاملات با اشخاص وابسته و نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره پرداختند و نتیجه گرفتند بین معاملات با اشخاص وابسته و خطای پیش‌بینی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از این است که نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بر ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و خطای پیش‌بینی سود، اثر تعدیل‌کننده دارد. با توجه به مطالب ارائه شده (به‌ویژه در بخش پیشینه نظری)، فرضیه‌های مطالعه حاضر به شرح زیر تدوین شده‌اند:

۱. بین تخصص حسابرِس در صنعت و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.
۲. بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
۳. تخصص حسابرِس در صنعت، موجب تضعیف رابطه مستقیم بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته می‌شود.

روش شناسی پژوهش

به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از نرم افزار Eviews9 استفاده می شود. گفتنی است در راستای دستیابی به دقیق ترین برآوردها، مفروضات رگرسیونی به دقت رعایت شده اند. به منظور رفع آثار ناهمسانی واریانس احتمالی، روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی (EGLS)، به کار گرفته شده است.

جامعه آماری این پژوهش، تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ است که بر اساس شرایط زیر غربال شده است:

۱. اطلاعات مالی شرکت برای دوره زمانی پژوهش موجود باشد؛
۲. طی دوره پژوهش در بورس حضور داشته باشد؛
۳. سال مالی آن منتهی به پایان اسفند باشد؛
۴. دوره مالی شرکت طی بازه زمانی پژوهش تغییر نکرده باشد؛
۵. از شرکت های بیمه، سرمایه گذاری، مؤسسه های مالی و اعتباری، بانک ها و لیزینگ نباشد.

با اعمال محدودیت های بیان شده، تعداد ۱۳۶ شرکت برای نمونه برگزیده شدند و داده های مربوط به ۵ سال آنها (۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳) از صورت های مالی (مستخرج از وبسایت کدال و مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی) و نرم افزار ره آورد نوین به دست آمد.

متغیرها و مدل های پژوهش

برای آزمون فرضیه های اول و دوم پژوهش از مدل زیر استفاده می شود:

$$ABNRPT_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{i,t} + \beta_2 FCF_{i,t} + \beta_3 CGO_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱)$$

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل زیر استفاده می شود:

$$ABNRPT_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{i,t} + \beta_2 FCF_{i,t} + \beta_3 AIS \times FCF_{i,t} + \beta_4 CGQ_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۲)$$

متغیر وابسته

$ABNRPT_{i,t}$: معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته شرکت i در سال t به عنوان شاخصی برای مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته شرکت i در سال t که برای محاسبه آن از مدل زیر استفاده می شود (ژیان و وانگ، ۲۰۱۰؛ شان، ۲۰۱۵):

$$RLPT_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LEVERAGE_{i,t} + \beta_2 FIRMSIZE_{i,t} + \beta_3 MKVE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۳}$$

که در آن، RLPT نسبت کل ریالی معاملات (خرید و فروش) با اشخاص وابسته به دارایی‌ها؛ LEVERAGE نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها؛ FIRMSIZE لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها و MKVE نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

پس از تخمین مدل در سطح کل داده‌ها و برآورد مقادیر β_1 ، β_2 و β_3 ، مدل برای هر شرکت - سال استفاده می‌شود و مقادیر پسماند مدل (ε) برای هر شرکت - سال، معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته را نشان می‌دهد که از قدرمطلق آن استفاده خواهد شد. مقدار پسماند مدل، در واقع توضیح‌دهنده آن بخش از معاملات با اشخاص وابسته است که توسط متغیرهای مستقل توضیح داده نشده‌اند و از حالت نرمال خارج می‌شوند.

متغیرهای مستقل

$AIS_{i,t}$: تخصص حسابرس در صنعت شرکت i در سال t است که در این تحقیق از سهم بازار به‌عنوان شاخصی برای تخصص حسابرس در صنعت بهره برده می‌شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقیبان بیشتر است. داشتن سهم غالب بازار اشاره دارد به اینکه حسابرس به‌طور موفقیت‌آمیزی خود را از لحاظ کیفیت حسابرسی از سایر رقیبان متمایز کرده است. سهم بازار حسابرسان به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران هر مؤسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص} \quad \text{رابطه ۴}$$

در این تحقیق مؤسسه‌هایی به‌عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی نسبت یادشده در بالا) بیش از مقدار $[1/2 \times (\text{تعداد شرکت‌های موجود})]$ باشد. پس از محاسبه سهم بازار یک مؤسسه حسابرسی، اگر مقدار به‌دست آمده، از مقدار رابطه بالا بیشتر باشد، مؤسسه حسابرسی در آن صنعت، متخصص است. بنابراین اگر مؤسسه حسابرسی، متخصص صنعت باشد، عدد ۱ می‌گیرد و در غیر این صورت، برابر صفر است (حیب و بایان، ۲۰۱۱).

$FCF_{i,t}$: جریان نقد آزاد شرکت i در سال t است که بنابر پیشنهاد چن، سان و زو (۲۰۱۵)، طی فرایند زیر محاسبه می‌شود:

$$I_{NEW\ i,t} = I_{TOTAL\ i,t} - I_{MAINTENANCE\ i,t} \quad \text{رابطه ۵}$$

$$I_{NEW\ i,t} = I_{NEW\ i,t}^* + I_{NEW\ i,t}^E \quad \text{رابطه ۶}$$

$$CF_{AIP\ i,t} = CFO_{i,t} - I_{MAINTENANCE\ i,t} \quad \text{رابطه ۷}$$

$$FCF_{i,t} = CF_{AIP\ i,t} - I_{NEW\ i,t}^* \quad \text{رابطه ۸}$$

که در آنها، I_{NEW} سرمایه‌گذاری‌های جدید روی پروژه‌ها؛ I_{TOTAL} کل سرمایه‌گذاری شرکت که برابر است با جمع جریان خالص فعالیت‌های سرمایه‌گذاری؛ $I_{MAINTENANCE}$ مخارج سرمایه‌ای ضروری برای نگهداری دارایی‌ها که برابر است با هزینه استهلاک؛ I_{NEW}^* سرمایه‌گذاری‌های جدید موردانتظار؛ I_{NEW}^E سرمایه‌گذاری‌های جدید غیرمنتظره؛ CF_{AIP} جریان نقد ناشی از دارایی‌های موجود که برابر است با تفاضل جریان نقد عملیاتی (CFO) و مخارج سرمایه‌ای ضروری برای نگهداری دارایی‌ها ($I_{MAINTENANCE}$) که برابر است با هزینه استهلاک؛ و FCF_i جریان نقد آزاد که از تفاضل جریان نقد ناشی از دارایی‌های موجود و سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد انتظار به دست می‌آید. از این رو، محاسبه مقدار جریان نقد آزاد، مستلزم محاسبه مقادیر سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد انتظار است که برای محاسبه آن از مدل تعدیل‌شده چن و همکاران (۲۰۱۵) به شرح رابطه ۹ استفاده می‌شود.

$$I_{NEW\ i,t} = \beta_0 + \beta_1 Growth_{i,t-1} + \beta_2 Leverage_{i,t-1} + \beta_3 Cash_{i,t-1} + \beta_4 Age_{i,t-1} + \beta_5 Size_{i,t-1} + \beta_6 Stockreturn_{i,t-1} + \beta_7 I_{New\ i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۹}$$

در این رابطه، I_{NEW} سرمایه‌گذاری‌های جدید روی پروژه‌ها که برابر است با تفاضل کل سرمایه‌گذاری‌های شرکت و مخارج سرمایه‌ای ضروری برای نگهداری دارایی‌ها. گفتنی است مقداری که برای محاسبات استفاده می‌شود بر رقم کل دارایی‌های شرکت تقسیم می‌گردد؛ $Growth$ فرصت‌های رشد شرکت که برابر است با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت؛ $Leverage$ نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها؛ $Cash$ نسبت موجودی نقد به دارایی‌ها؛ Age عمر شرکت که بر اساس واحد سال اندازه‌گیری می‌شود؛

Size اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم دارایی‌ها و Stockreturn بازده سهام مستخرج از نرم‌افزار ره‌آورد نوین.

پس از تخمین مدل فوق در سطح کل داده‌ها و برآورد ضرایب متغیرها، از ضرایب برآوردی برای هر شرکت - سال استفاده می‌شود و مقدار پسماند برای هر شرکت - سال (ϵ) نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری‌های جدید غیرمنتظره ($I_{\epsilon NEW}$) خواهد بود و تفاضل کل سرمایه‌گذاری‌های جدید و سرمایه‌گذاری‌های جدید غیرمنتظره، برابر خواهد بود با سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد انتظار.

متغیرهای کنترل

$CGQ_{i,t}$: کیفیت حاکمیت شرکتی شرکت i در سال t . برای اندازه‌گیری این متغیر، مشابه رویکرد حساس‌یگانه، رحیمیان و توکل‌نیا (۱۳۹۳)، از شاخصی ترکیبی استفاده می‌شود که حاصل جمع مقادیر زیر خواهد بود:

۱. مالکیت نهادی: اگر درصد سهام تحت تملک سهامداران نهادی شرکت بزرگ‌تر از مقدار میانه در نمونه بررسی باشد، برابر ۱ قرار داده می‌شود و در غیر این صورت صفر خواهد بود.
 ۲. مالکیت عمده: اگر درصد سهام تحت تملک سهامداران عمده شرکت (مالکان بیش از ۵ درصد سهام شرکت) بزرگ‌تر از مقدار میانه در نمونه بررسی باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.
 ۳. اندازه هیئت مدیره: اگر تعداد اعضای هیئت‌مدیره شرکت ۷ نفر باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت (تعداد ۵ نفر) صفر خواهد بود.
 ۴. استقلال هیئت‌مدیره: اگر نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره شرکت بزرگ‌تر از مقدار میانه در نمونه بررسی باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.
 ۵. اندازه مؤسسه حسابرسی: اگر مؤسسه حسابرسی‌کننده شرکت، سازمان حسابرسی باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.
- حاصل جمع مقادیر فوق (بین ۰ تا ۵) برای هر شرکت در هر سال، نشان‌دهنده کیفیت حاکمیت شرکتی آن خواهد بود.

$ROA_{i,t}$: سودآوری شرکت i در سال t که برابر است با نسبت سودخالص به کل دارایی‌ها.

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t که برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرها در جدول ۱ آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، متغیر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته مقادیر شایان توجهی دارد که نشان‌دهنده وجود دستکاری‌های احتمالی در حساب‌های مربوطه است. حاکمیت شرکتی نیز از متغیرهای دیگر به‌کار رفته در مطالعه حاضر است. میانگین مقادیر این متغیر حدود ۲ به‌دست آمد که با توجه به مقدار تعریف شده (۰ تا ۵)، حاکی از عدم کیفیت کافی است. شایان ذکر است که محاسبات متغیرهای مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته و جریان نقد آزاد، مستلزم تخمین رگرسیونی است که با رعایت شروط رگرسیونی و رویکرد مشروح، فرایندهای لازم انجام گرفت و به‌علت محدودیت حجمی، مشخصات اجزای تشکیل‌دهنده متغیرهای مندرج در جدول ۱ و همچنین تخمین‌های مربوط به مدل‌های یاد شده ارائه نشده است. گفتنی است به‌علت اینکه تعریف متغیر تخصص حسابرس در صنعت به‌صورت ساختگی (صفر و یک) بود، از جدول آمار توصیفی خارج شد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته	۰/۴۶۳	۰/۳۹۸	۲/۸۲۴	۰/۱۱۵	۰/۶۲۲
جریان نقد آزاد	۰/۱۵۸	۰/۱۴۹	۰/۵۹۴	-۰/۱۹۸	۰/۱۲۸
کیفیت حاکمیت شرکتی	۲/۰۹	۲/۰۰۰	۴/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۳۷
سودآوری	۰/۱۳۴	۰/۱۱۴	۰/۶۳۶	-۰/۲۴۲	۰/۱۱۳
اندازه شرکت	۱۳/۸۲۲	۱۳/۶۶	۱۹/۰۰۹	۱۰/۲۲۶	۱/۴۵۶

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش در قالب تخمین مدل‌های پژوهش در جدول ۲ گزارش شده است. با توجه به نتایج ارائه‌شده، ارتباطی معکوس و معناداری بین تخصص حسابرس در صنعت (آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶۵- و سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵) و همچنین ارتباطی مستقیم و معناداری بین جریان نقد آزاد با مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته (آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶۵+ و سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵) برقرار است؛ این در حالی است که متغیرهای یاد شده اثر همزمان معکوسی بر متغیر وابسته (آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶۵- و سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵) دارند. نتایج بیان شده به این معناست که تخصص حسابرس در صنعت، موجب تضعیف ارتباط مستقیم بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته می‌شود.

جدول ۲. آزمون فرضیه‌ها

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری	ضریب	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۱۰۴	۶/۴۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۵۳	۶/۸۲۳	۰/۰۰۰
تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۱۱۹	-۳/۴۳	۰/۰۰۱	-۰/۱۱۸	-۳/۲۲۴	۰/۰۰۱
جریان نقد آزاد	۰/۰۲	۳/۱۰۹	۰/۰۰۳	۰/۰۲۱	۳/۰۳۶	۰/۰۰۲
تخصص حسابرس در صنعت × جریان نقد آزاد	-	-	-	-۰/۰۱	۲/۵۲۲	۰/۰۱۴
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰/۰۱۳	۵/۱۷۷	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۵/۴۲۱	۰/۰۰۰
سودآوری	۰/۱۱۴	۴/۶۵۲	۰/۰۰۰	۰/۱۱۴	۴/۷۳۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۳۴	۱/۲۴۵	۰/۲۱۸	۰/۰۳۸	۱/۱۹۶	۰/۲۳۲
آماره F = ۳۰/۵۷۹			آماره F = ۳۱/۲۲۱			
سطح معناداری = ۰/۰۰۰			سطح معناداری = ۰/۰۰۰			
ضریب تعیین = ۰/۶۹۳			ضریب تعیین = ۰/۶۸۹			
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۶۶۳			ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۶۵۹			
آماره دوربین واتسون = ۱/۹۰۶			آماره دوربین واتسون = ۱/۸۹۳			
آماره آزمون چاو = ۳۷/۸۴۵			آماره آزمون چاو = ۲۵/۹۲۲			
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰			سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰			
آماره آزمون هاسمن = ۳۲/۸۷۸			آماره آزمون هاسمن = ۳۲/۳۱۳			
سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰			سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰			
مدل اثرهای ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی						

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مطالعه حاضر تلاش شد با استفاده از داده‌های سال‌های اخیر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ضمن بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و جریان نقد آزاد بر مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته، اثر تعدیلی تخصص حسابرس در صنعت نیز بر ارتباط بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته، بررسی شود. نتایج آزمون فرضیه دوم مطالعه حاضر نشان داد افزایش جریان نقد آزاد، افزایش مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته را به همراه خواهد داشت. بنابراین، می‌توان این استدلال را پذیرفت که افزایش جریان نقد آزاد، انگیزه‌های قوی برای مدیریت ایجاد می‌کند تا در پروژه‌های با ارزش فعلی منفی سرمایه‌گذاری کند که این امر، تضعیف وضعیت مالی و ارزش سهام و متعاقب آن، تعویض مدیریت شرکت را به همراه خواهد داشت، بنابراین ممکن است مدیریت سود و به تبع آن، معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته به منظور پنهان کردن اقدامات صورت گرفته،

به کار رود. این نتیجه را می‌توان در انطباق با نتایج جگی و گال (۲۰۰۶) و نخیلی و همکارانش (۲۰۱۶) دانست.

علاوه بر این، در آزمون فرضیه‌های اول و سوم تحقیق مشخص شد که حضور مؤسسه‌های حسابداری متخصص در صنعت، کاهش مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته و همچنین تضعیف ارتباط مستقیم بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته را در پی خواهد داشت که این امر، نشان‌دهنده ایفای نقش نظارتی مطلوب توسط حسابرسان متخصص در صنعت است و مؤید این ادعاست که حسابرسان متخصص صنعت، نسبت به حسابرسان غیرمتخصص دانش و تجربه بیشتری دارند. در این رابطه باید یادآوری کرد که دان و ماهیو (۲۰۰۴) نیز اذعان داشتند حسابرسان متخصص در صنعت از دانش و تجربه بیشتری نسبت به حسابرسان غیرمتخصص برخوردارند و تأثیر مثبتی بر کیفیت حسابداری می‌گذارند و همچنین می‌توانند خدمات حسابداری با کیفیت بالا را برای مشتریان خود به ارمغان آورند. بنابراین، حسابرسان متخصص در صنعت، نقش مهمی در نظارت بر فرایند گزارشگری مالی دارند؛ زیرا هم از طریق حسابرسی صورت‌های مالی و هم از طریق تأثیر متقابل بر سازوکارهای داخلی حاکمیت شرکتی، می‌توانند باعث محدودتر شدن مدیریت سود شوند. این نتیجه در انطباق با نتایج مطالعات احمدپور و همکاران (۱۳۹۴)، حبیب و همکاران (۲۰۱۴)، هگازی، السباق و هندی (۲۰۱۵) و توکل‌نیا و مکرانی (۲۰۱۵) و در تضاد با یافته‌های بادآورندهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۲) است.

بنابر نتایج به‌دست‌آمده، به سرمایه‌گذاران، مجامع عمومی و هیئت‌مدیره‌ها پیشنهاد می‌شود که به انتخاب مؤسسه حسابداری متخصص در صنعت به‌عنوان سازوکار نظارتی مؤثر بر معاملات با اشخاص وابسته به‌طور جدی توجه کنند. علاوه بر این، تصمیم‌گیرندگان شرکت‌هایی که جریان نقد آزاد شایان توجهی دارند، می‌توانند با استخدام مؤسسه‌های حسابداری متخصص در صنعت آثار منفی جریان نقد آزاد را به‌طور مؤثر کنترل کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی، نقش‌آفرینی سایر سازوکارهای نظارتی در مقوله مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته بررسی و پردازش شود.

فهرست منابع

ابراهیم کردلر، ع.؛ جوانی قلندری، م. (۱۳۹۵). تأثیر تخصص حسابرس بر کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۲)، ۱۵۴-۱۳۷.

ابراهیمی کردلر، ع.؛ سیدی، س. ع. (۱۳۸۷). نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۵۴)، ۱۶-۳.

احمدپور، ا.؛ توکل نیا، ا.؛ معصومی، ت. (۱۳۹۴). بررسی اثر تعدیلی تخصص حسابرس در صنعت بر ارتباط بین راهبری هیئت‌مدیره و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی: شواهد تجربی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۴(۱۵)، ۹۳-۱۰۶.

اعتمادی، ح.؛ محمدی، ا.؛ ناظمی اردکانی، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱(۱)، ۳۲-۱۷.

بادآور نهندی، ی.؛ تقی‌زاده خانقاه، و. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰(۲)، ۴۲-۱۹.

حساس‌یگانه، ی.؛ رحیمیان، ن.؛ توکل نیا، ا. (۱۳۹۳). بررسی ارزش آفرینی گزارشگری سرمایه‌انسانی. *حسابداری مدیریت*، ۷(۲۰)، ۳۴-۱۱.

رستمی، ا. (۱۳۹۲). رابطه مؤسسه حسابرسی و معاملات اشخاص وابسته شرکت‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی رجا قزوین.

سرلک، ن.؛ اکبری، م. (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰(۴)، ۹۲-۷۷.

عباس‌زاده، م. ر.؛ حصارزاده، ر.؛ جباری نوقابی، م.؛ عارفی اصل، س. (۱۳۹۴). فراتحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲(۱)، ۸۴-۵۹.

کامیابی، ی.؛ بوژمهرانی، ا.؛ نادری پلنگی، ف. (۱۳۹۳). خطای پیش‌بینی سود، معاملات با اشخاص وابسته و نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۱(۴۳)، ۱۵۱-۱۳۵.

کامیابی، ی.؛ شهسواری، م.؛ سلمانی، ر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مدیریت سود تعهدی بر رابطه بین مدیریت واقعی سود و هزینه سرمایه. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۱)، ۳۸-۱۹.

کردستانی، غ. ر.؛ تاتلی، ر. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۱)، ۹۶-۷۳.

مرادی، م.؛ اصولیان، م.؛ نوروزی، م. (۱۳۹۳). اظهار نظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تدویم فعالیت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۳)، ۳۲۸-۳۱۳.

- Abbaszade, M., Hesarzade, R., Jabbari Noghabi, M. & Arefi Asl, S. (2015). A meta-analysis of corporate governance and earnings management. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22 (1), 59-84. (in Persian)
- Aharony, J., Wang, J. & Yuan, H. (2010). Tunneling as an incentive for earnings management during the IPO process in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29 (1), 1-26.
- Ahmadpour, A., Tavakolnia, E. & Masoomi, T. (2015). Investigating the moderating effect of auditor industry specialization on the relationship between board governance and accruals based earnings management: empirical evidence from companies listed in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Accounting Knowledge and Management Auditing*, 4: 93-106. (in Persian)
- Alhadab, M., Clacher, I. & Keasy, K. (2013). Effects of audit quality on real and accrual earnings management and subsequent return performance: evidence from IPOs. Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2225409>.
- Badavar Nahandi, Y. & Taghizadeh Khanqah, V. (2013). The relationship between audit quality and investment efficiency. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20 (2), 19-42. (in Persian)
- Balsam, S., Krishnan, J. & Yang, J.S. (2003). Auditor industry specialization and earnings quality. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 22: 71-97.
- Bartov, E., Gul, F.A. & Tsui, J.S.L. (2001). Discretionary-accruals models and audit qualifications. *Journal of Accounting and Economics*, 30 (3), 421-452.
- Bennouri, M., Nekhili, M. & Touron, P. (2015). Does auditor reputation “discourage” related-party transactions? The French case. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34 (4), 1-32.
- Bliss, M.A., Gul, F.A. & Majid, A. (2011). Do political connections affect the role of independent audit committees and CEO duality? Some evidence from Malaysian audit pricing. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 7 (2), 82-98.
- Bukit, R. & Iskandar, T. M. (2009). Surplus free cash flow, earnings management and audit committee. *International Journal of Economics and Management*, 3 (1), 204-223.
- Burnett, B., Cripe, B., Martin, G. & McAllister, B. (2012). Audit quality and the trade-off between accretive stock repurchases and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87(6), 1861-1884.
- Center for Audit Quality. (2010). *The CAQ's fourth annual individual investor survey the main street investor survey*. Available at: <http://www.theqaq.org/docs/pdf/2010investorsurvey.pdf?sfvrsn1/42>.

- Chen, K. C. W. & Yuan, H. (2004). Earnings management and capital resource allocation: evidence from China's accounting-based regulation of rights issues. *The Accounting Review*, 79 (3), 645–665.
- Chen, X., Sun, Y. & Xu, X. (2015). Free cash flow, over-investment and corporate governance in China. *Pacific-Basin Finance Journal*, doi: 10.1016/j.pacfin.2015.06.003.
- Chung, R., Firth, M. & Kim J. B. (2005a). Earnings management, surplus free cash flow, and external monitoring. *Journal of Business Research*, 58 (6), 766–776.
- Dunn, K. A. & Mayhew, B. W. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies*, 9: 35-58.
- Ebrahimi Kordlar, A. & Javani Ghalandari, M. (2016). The Effect of Auditor expertise on Earnings Quality and Stock Price Synchronicity. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23(2), 137-154. (in Persian).
- Ebrahimi Kordlar, A. & Seyedy, S. (2009). Independent auditor's roles in decreasing discretionary accrual. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 16 (1), 3-16. (in Persian).
- Etemadi, H., Mohammadi, A. & Nazemi Ardakani, M. (2010). The relationships between auditor industry specialization and earnings quality in listed companies on Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 1 (1), 17-32. (in Persian)
- European Commission. (2010). Audit policy, lessons from the crisis. Available at: http://ec.europa.eu/internal_market/consultations/docs/2010/audit/green_paper_audit_en.pdf.
- Fazzari, S., Hubbard, R.G. & Petersen, B. (1988). Financing constraints and corporate investment. *Brookings Papers on Economic Activities*, 1: 141-195.
- Francis, J. R., Reichelt, K. & Wang, D. (2005a). The pricing of national and city specific reputations for industry expertise in the US audit market. *The Accounting Review*, 80 (1), 113–136.
- Gao, L. & Kling, G. (2008). Corporate governance and tunneling: empirical evidence from China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 16 (5), 591–605.
- Ge, W., Drury, D. H., Fortin, S., Liu, F. & Tsang, D. (2010). Value relevance of disclosed related party transactions. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 26 (1), 134–141.

- Gordon, E. A., Henry, E. Louwers, T. J. & Reed, B. J. (2007). Auditing related-party transactions: A literature overview and research synthesis. *Accounting Horizons*, 21 (1), 81-102.
- Habib, A. & Bhaiyan, M.B. (2011). Audit firm industry specialization and the audit report lag. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 20: 32-44.
- Habib, A., Jiang, H. & Zhou, D. (2014). Audit quality and market pricing of earnings and earnings components in China. *Asian Review of Accounting*, 22 (1), 20-34.
- Hassas Yeganeh, Y., Rahimian, N. & Tavakolnia, E. (2014). Investigating value creating of human capital reporting (HCR). *Quarterly Management Accounting*, 7 (20), 11-34. (in Persian)
- Hegazy, M. Al Sabagh, A. & Handy, R. (2015). The effect of audit firm specialization on earnings management and quality of audit work. *Journal of Accounting and Finance*, 15 (4), 143-164
- Jaggi, B. & Gul, F. A. (2006). Evidence of accruals management: A test of the free cash flow and debt monitoring hypotheses. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2699>.
- Jensen, M.C. (1986). Agency costs and free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economic Review*, 76: 659-665.
- Jian, M. & Wong, T. J. (2010). Propping through related party transactions. *Review of Accounting Studies*, 15 (1), 70-105.
- Jian, M. & Wong, T.J. (2003). Earnings management and tunneling through related party transactions: evidence from Chinese corporate groups (June 2003). EFA 2003 Annual Conference Paper No. 549. Available at SSRN: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.424888>.
- Kamyabi, Y., Bouzhmehrani, M. & Naderi Palangi, F. (2014). Earnings forecast error, related-party transactions, and independent board members. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 11(43), 131-151.
- Kamyabi, Y., Shahsavari, M. & Salmani, R. (2016). The study of the accrual earnings management effect on the relationship between real earnings management and cost of capital. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (1), 73-96. (in Persian)
- Kend, M. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding. *Pacific Accounting Review*, 20: 49-62.

- Kordestani, G. & Tatli, R. (2016). The prediction of earnings manipulation: development of a model. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (1), 73-96. (in Persian)
- Kwon, S.Y., Lim, C.Y. & Tan, P. (2007). Legal systems and earnings quality: the role of auditor industry specialization. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 2: 25-55.
- Lai, K. (2009). Does audit quality matter more for firms with high investment opportunities? *Journal of Accounting and Public Policy*, 28 (1), 33-50.
- Lo, A. W. Y. & Wong, R. M. K. (2011). An empirical study of voluntary transfer pricing disclosures in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 30 (6), 607-628.
- Lo, A. W. Y., Wong, R. M. K. & Firth, M. (2010a). Can corporate governance deter management from manipulating earnings? Evidence from related-party sales transactions in China. *Journal of Corporate Finance*, 16 (2), 225-235.
- Mayhew, B. W. & Wilkins, M. S. (2003). Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charges to firms going public. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(2), 33-52.
- Modigliani, F. & Miller, M. (1958). The cost of capital, corporation finance and the theory of investment. *American Economic Review*, 48: 261-297.
- Moradi, M., Osoolian, M. and Norouzi, M. (2014). Audit opinion and earnings management: uncertainty in going-concern. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (3), 313-328. (in Persian)
- Myers, S. & Majluf, N. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 13: 187-221.
- Nekhili, M., BenAmar, I., Chtoui, T. & Lakhali, F. (2016). Free cash flow and earnings management: the moderating role of governance and ownership. *The Journal of Applied Business Research*, 32 (1), 255-268.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2012). Related-party transactions and minority shareholder rights. Available at: <http://www.oecd.org/daf/ca/50089215.pdf>.
- Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. *Review of Accounting Study*, 11: 159-189.
- Robin, A.J. & Zhang, H. (2015). Do industry-specialist auditors influence stock price crash risk? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34 (3), 47-79.

- Rostami, M. (2013). *The relationship between audit firm and related party transactions of companies*. Master Thesis of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, Raja non-governmental and non-profit institution of higher education. (in Persian)
- Rusmin, R., Astami, E. W. & Hartadi, B. (2014). The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management: The case of growth triangle countries. *Asian Review of Accounting*, 22 (3), 217-232.
- Sarlak, N. & Akbari, M. (2014). Relationship between related party transactions and earnings management. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20 (4), 77-92. (in Persian)
- Shan, Y. G. (2015). Value relevance, earnings management and corporate governance in China. *Emerging Markets Review*, 23: 186-207.
- Solomon, I., Shields, M. D. & Whittington, O. R. (1999). What do industry-specialist auditors know? *Journal of Accounting Research*, 37 (spring), 191-208.
- Stulz, R. M. (1990). Managerial discretion and optimal financing policies. *Journal of Financial Economics*, 26: 3-27.
- Sun, J. and Liu, G. (2011). Industry specialist auditors, outsider directors, and financial analysts. *Journal of Accounting Public Policy*, 30: 367-382.
- Tavakolnia, E. & Makrani, S.V. (2015). Auditor industry specialization and market valuation of earnings and earnings components: empirical evidence from companies listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Finance Research*, 4 (4), 187-195.
- Thomas, W., Herrmann, D. & Inoue, T. (2004). Earnings management through affiliated transactions. *Journal of International Accounting Research*, 3 (2), 1-25.
- Tsipouridou, M., Spathis, C. & Floropoulos, J. (2010). Discretionary accruals and auditor reporting in Greece. *Proceedings of the 3rd International Conference on Accounting & Finance [2010]*, 278-300.
- Whited, T. (1992). Debt, liquidity constraints and corporate investment: Evidence from panel data. *Journal of Finance*, 47: 1425-1460.
- Wong, R. M. K., Kim, J.-B. & Lo, A. W. Y. (2015). Are related-party sales value-adding or value-destroying? Evidence from China. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 16 (1), 1-38.